

اسلام و پژوهش‌های روان‌شنختی

سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (ص ۲۲۱-۲۵۲)

مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم

A Comparison between the Early Maladaptive Schemas, Feeling Loneliness and Types of Love in Married Male University Students and Seminary Students in Qom Province

مهدی شاکری / کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت (نویسنده مسئول)
سید محمد رضا موسوی نسب کermani / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رهنما

Mahdi Shakeri (corresponding author), an MA in Counseling and Guidance, the Academic Institute for Ethics and Education, Qom, Iran. Email: mahdiyar.shakery@gmail.com

Mohammad Reza Mousavi Nasab Kermani, an assistant professor in educational sciences, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. Email: smrmn1346@gmail.com

Abstract

The present study aims at a comparison between the initial maladaptive schemas, feeling loneliness and types of love in married male students of university and seminary schools in Qom province. The study is of descriptive-survey type and the statistical population consisted of 100 seminary students in high levels in al-Hadi school. Similarly, the population included 1645 married male students in Faculty of Humanities in Islamic Azad University of Pardisan. The statistical sample of the study based on the Cochran formula for determining sample size consisted of 80 seminary students and 312 university students. The sampling method was available sampling one. The tool for gathering data included Sternberg's Triangular Love Scale (1994); Russell, Peplau and Cutrona Loneliness Scale (1980); and Young's Early Maladaptive

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم است. این پژوهش، از نوع توصیفی-پیمایشی است. از میان طلاب متأهل مشغول به تحصیل در سطوح عالی و خارج مدرسه علمیه الهادی استان قم به تعداد ۱۰۰ نفر و همچنین دانشجویان متأهل مرد در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد (واحد پردیسان) به تعداد ۱۶۴۵، براساس فرمول تعیین حجم کوکران، طلاب ۸۰ نفر و دانشجویان ۳۱۲ نفر به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش، فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه یانگ، پرسش‌نامه عشق مثبتی استنبرگ و پرسش‌نامه احساس تنهایی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها

Schemas Questionnaire (1995). For statistical analysis of the data, the parameters and methods of descriptive and inferential statistics were used. The findings showed that there is a meaningful difference in early maladaptive schemas between married male students in seminary and university; the university students had a higher mean in early maladaptive schemas.

Keywords: early maladaptive schemas, feeling loneliness, types of love, seminary students, university students.

از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که دانشجویان از لحاظ روان بنه های ناسازگار اولیه به طور کلی میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. همچنین این گروه، از لحاظ احساس تنها یی و بعد شوق در میان ابعاد سه گانه عشق، میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند.

کلیدواژه ها: روان بنه های ناسازگار اولیه، احساس تنها یی، انواع عشق، طلاب، دانشجویان.

مقدمه

پیوستار زندگی روانی آدمی، دگرگونی ها و عوامل تأثیرگذار در آن مسئله ای است که مدت هاست ذهن کنجدکاو آدمی را به خود مشغول ساخته است. یکی از این عوامل مؤثر، روان بنه ها و به ویژه روان بنه های ناسازگار اولیه است. بررسی های پژوهشگر در جلسات مشاوره با زوجینی که برای حل اختلافات خود مراجعه کرده بودند، نشان می دهد که روان بنه های ناسازگار اولیه پیش بینی کننده ناسازگاری بین فردی و تبیین کننده بسیاری از اختلالات روانی و شخصیتی می باشند و آسیب پذیری خاصی را برای انواع آشفتگی های روان شناختی ایجاد می کنند. علاوه بر این، عامل مهم و مکانیزم تأثیرگذاری آن در زندگی، دوران تحصیل در دانشگاه یا حوزه نیز، زمانی است که زندگی فرد تغییر می کند. بسیاری از طلاب یا دانشجویان شاید برای نخستین بار است که از اعضای خانواده و حمایت اجتماعی و عاطفی آنها دور می شوند. مشاهدات عینی پژوهشگر نشان می دهد، عده ای چون خانه و دوستان نزدیک را ترک کرده اند، حالت هایی از احساس شک، سردرگمی و اضطراب را تجربه کرده اند. از سوی دیگر، مطالعات بسیاری نشان داده اند که عشق به عنوان یک پدیده روانی مهم، پیش بینی کننده شادکامی، رضایت و هیجان های مثبت است (رفیعی نیا و اصغری، ۱۳۸۶).

این نسبت‌ها بر اهمیت موضوع این تحقیق و مقایسه متغیرهای آن در بین دو گروه انتخاب شده می‌افزاید؛ چرا که طلاب و دانشجویان، دو قشر بسیار مهم از گروه‌های جمعیتی هستند که باید در آینده با آموزش‌های علمی و تربیتی فراگرفته شده، برای بارور کردن ذهن‌های سرآمد و خلاق در سطح جامعه تلاش نمایند و آسیب‌های زندگی روانی آحاد جامعه را تقلیل دهند. اهمیت این نوع از تحقیقات، پژوهشگران را به بررسی متغیرهای دیگری در میان دو گروه یادشده سوق داده است که نتایج آنها حاکی از تفاوت معناداری بین جامعه آماری این پژوهش بوده است. برای مثال، رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند جهت‌گیری مذهبی طلاب بالاتر از دانشجویان است. آنها همچنین ثابت کرده‌اند عمل به باورهای دینی در میان طلاب به طور معناداری بیشتر از عمل به باورهای دینی در دانشجویان است. براین اساس، انسان متدين نه تنها در ساحت‌های اعتقادی، بلکه در تمام ساحت‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی از کارآمدی دین تأثیر پذیرفته است (رهنمایی، ۱۳۸۸). در این راستا می‌توان چنین ادعا کرد که زی‌طلبگی و فضای آموزشی و تربیتی متفاوت آنها، موجب می‌شود نوعی تغییر در نظام زندگی و در نتیجه، شاخص‌های روانی افراد چون متغیرهای پژوهش حاضر ایجاد شود. براین اساس، مطالعه و مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، احساس تنهایی و انواع عشق در میان طلاب و دانشجویان، لازم و ضروری است.

واژه «روان‌بنه»^۱ یا «اسکیما» به طور کلی به عنوان ساختار، قالب یا الگو تعریف می‌شود. روان‌بنه شامل یک بسته حافظه‌ای است که محتوای آن را آموزه‌های فرد در طول زمان شکل می‌دهند. باید توجه داشت که در روند پدیدآیی روان‌بنه‌ها عواملی مثل بنیادهای زیستی فرد و عوامل مربوط به محیط تربیتی او مثل محیط خانواده، فرهنگ، تجارب وی در فرایند رشد، رخدادهای بزرگ و... تأثیر می‌گذارند. به نظر اندیشمندان در این زمینه، این بسته حافظه‌ای مثل یک فیلتر بزرگ و پیچیده بر سر راه اطلاعات ورودی به حافظه و همچنین اطلاعات موجود در حافظه، عمل کرده و با سرند، دسته‌بندی و سازمان دهی، شکل‌گیری معانی جدید را در ذهن ممکن می‌سازد (یانگ، ۲۰۱۱).

یانگ معتقد است: روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه قدیمی‌ترین مؤلفه‌های شناختی و باورها و احساسات غیرشرطی درباره خودمان هستند و از تعامل خلق و خوی فطری کودک با تجارت ناکارآمد

oba-al-din، خواهر و برادرها و همسالان در طی سال‌های اولیه زندگی به وجود می‌آید (یانگ، ۲۰۱۱). روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن جای گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). روان‌بنه‌ها حاصل گفت‌وگوی والدین با کودک هستند که به تدریج در ذهن او جای گرفته‌اند و هم‌اکنون به گونه‌ای نظام مند، اما ناکارآمد زندگی وی را زیر سیطره خود گرفته‌اند. روان‌بنه‌های ناسازگار به عنوان زیرساخت‌های شناختی منجر به تشکیل باورهای غیرمنطقی و دارای مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری هستند (یانگ، ۲۰۰۳).

از نظر یانگ (۲۰۱۱)، خصوصیات روان‌بنه‌های ناسازگار، عبارت اند از:

- باورها و احساس‌های غیرشرطی، درباره خودمان هستند و در اثر ارتباط با محیط ایجاد شده‌اند.
- خودتداوم بخش^۱ هستند و بنابراین در برابر تغییر مقاومت می‌کنند.
- طبق تعریف، باید به صورت مکرر و به میزان زیادی، ناکارآمد باشند.
- معمولاً توسط رویدادهایی در محیط فعال می‌شوند که به روان‌بنه‌های خاصی مربوط می‌باشند.
- نسبت به مفروضه‌های زیربنایی، رابطهٔ نزدیک‌تری با سطوح بالای عاطفه دارند.
- از تعامل سرشت فطری کودک، با تجربه‌های ناکارآمد او با والدین، خواهر و برادرها و همسالان، در طی سال‌های اولیه زندگی، به وجود می‌آیند (یانگ، ۲۰۱۱).

حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه

روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در رابطه با پنج تکلیف تحولی اساسی به وجود می‌آیند که کودک برای رشد سالم باید این تکالیف را در رابطه با والدین و محیط پشت سر گذارد. چنانچه هر کدام از این تکالیف انجام نشود، فرد در عملکردش در یک یا چند حوزه از این طرح و راه‌ها مشکل پیدا می‌کند. به طور کلی می‌توان بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضاء نشده هجدۀ روان‌بنه ناسازگار اولیه را در پنج حوزه قرار دارد (هوفارت و همکاران، ۲۰۰۵).

- حوزه اول: بریدگی^۲ و طرد^۳

بیمارانی که روان‌بنه‌هایشان در این حوزه قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و

1. Self-Perpetuating

2. Disconnection

3. Rejection

رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند: نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. خانواده‌های اصلی معمولاً بی‌ثابت (رهاشدنگی / بی‌ثبتاتی)، بدرفتار (بی‌اعتمادی / بدرفتاری) سرد و بی‌عاطفه (محرومیت هیجانی)، طردکننده (نقص / شرم) یا منزوی (انزوای اجتماعی / بیگانگی)^۱ هستند (راجیکور و برگ، ۲۰۰۶).

- حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختلط^۲

انتظاراتی که فرد از خود و محیط دارد با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقاء و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کنند (کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷).

- حوزه سوم: محدودیت‌های مختلط^۳

نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در مقابل دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلندمدت زندگی. این روان‌بندها منجر به بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران، تعهد یا هدف‌گزینی و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه می‌شود (همان).

- حوزه چهارم: دیگر جهت‌مندی^۴

تمرکز افراطی بر تمایلات، احساسات و پاسخ‌های دیگران به گونه‌ای که نیازهای خود فرد نادیده گرفته می‌شود. این کار برای دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد. در این روان‌بندها، فرد معمولاً هیجانات و تمایلات طبیعی خود را واپس می‌زند و نسبت به آنها ناآگاه است (هریسنس و سرتین، ۲۰۰۲).

- حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^۵

تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیخته فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی که اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود (تاک، ۲۰۰۶). یکی دیگر از سازه‌های پیچیده روان‌شناختی که از زمان فلاسفه مورد بحث بوده، احساس

1. Alination

2. Impaired Autonomy and Performance

3. Impaired Limits

4. Other – Directedness

5. Overvigilance /Inhibition

تنهایی است. در آن زمان احساس تنهایی یک مفهوم مثبت به معنای کناره‌گیری داوطلبانه فرد از درگیری‌های روزمره زندگی برای رسیدن به هدف‌های بالاتر (مانند تعمق و ارتباط با خداوند) تلقی می‌شود. اما امروزه در متون روان‌شناسی به احساس تنهایی مثبت پرداخته نمی‌شود، بلکه حالتی در نظر می‌گیرند که در آن فرد فقدان روابط با دیگران را ادراک یا تجربه می‌کند و شامل عناصر اصلی و مهمی مانند احساس نامطلوب فقدان یا از دست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط از دست رفته و از دست دادن سطح کیفی روابط با دیگری است (رحیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰).

روان‌شناسان تعاریف مختلفی از احساس تنهایی ارائه کرده‌اند. از جمله اینکه احساس تنهایی:

- حاصل محروم ماندن از نیازهای اساسی بشر به صمیمت است (گردونی، ۱۳۸۹).
- تجربه عاطفی دردناک ترس آور عام و خطیری که پیامدهای آسیب‌شناسی و روانی گستردگی دارد (مشايخ، ۱۳۸۲).
- یک احساس ذهنی غمگین، ناشی از نارضایتی از تجارت اجتماعی است (یانگ بیلد، بلسکی، ۱۹۹۹، به نقل از: مشايخ، ۱۳۸۲).
- ناهمخوانی بین سطح تماس اجتماعی مطلوب فرد با سطحی است که عمل‌آکسب کرده است (پیلاو، ۱۹۸۲، به نقل از: مشايخ، ۱۳۸۲).

خصوصیات افراد دارای احساس تنهایی

بررسی‌های موجود نشان داده‌اند که افراد دارای احساس تنهایی دارای خصوصیاتی هستند که از آن جمله می‌توان به رضایت و شادکامی اندک، عزت نفس پایین، از خود بیگانگی، احساس خجالت، دلتنگی، احساس خلا، کمی جاذبه، خودداری از ارتباطات اجتماعی، دوستان اندک، بدینی، ناتوانی در ابراز خود، دیگرگریزی و درون‌گرایی اشاره کرد. براساس تحقیقات، احساس تنهایی با اختلالاتی مانند افسردگی، عزت نفس پایین، افکار خودکشی، رضایت پایین از زندگی و گوشه‌گیری اجتماعی، فعالیت جسمانی محدود، فقدان سلامت ذهنی و بدینی مرتبط است (نوری‌شمرین و نرگسی، ۱۳۹۲).

متغیر دیگر این پژوهش، انواع عشق است. «عشق» در لغت ریشه در «عِشَق» دارد. در عربی (الْعِشْقُ) أي: الإِفْرَاطُ فِي الْمَحَبَّةِ (الفیومی، ۱۴۲۵). مراد از این واژه در فارسی، گیاهی است که به آن پیچک می‌گویند که به هر چیز برسد دور آن می‌پیچد. وقتی چنین حالتی در انسان

هم پیدا می‌شود، اثرش این است که برخلاف محبت عادی انسان را از حالت عادی خارج می‌کند، خواب و خوراک را ازاو می‌گیرد و توجه را منحصر به همان معشوق می‌کند (منصور نژاد، ۱۳۸۱، ص ۲۸). واژه عشق در قرآن ذکر نشده است، اما از واژه‌های ذکر شده واژه حب و مشتقات آن است که اگر عشق به محبت شدید معنا شود، چنین معنایی در آیه ۱۶۵ سوره مبارکه بقره، منعکس شده است. تا قبل از ظهور علم روان‌شناسی، عشق در شاخه فلسفه و عرفان تعریف می‌شد و معمولاً فلاسفه و عرفای عشق را در دو سطح پست و عالی در نظر می‌گرفته‌اند و عناوینی همانند عشق حقیقی و مجازی، آسمانی و زمینی، ممدوح و مذموم به کار می‌بردند (پاتو، ۱۳۸۱).

با ظهور روان‌شناسی، عشق وارد موضوعات قابل بحث در روان‌شناسی شد (هاتفیلد و روپیسون ۲۰۱۰). در روان‌شناسی، اولین دیدگاه نظریه‌پرداز که به این زمینه علاقه نشان داد، روان‌تحلیل‌گری بود. درحالی‌که این دیدگاه و دیدگاه‌های روان‌شناسی بالینی به طور مرتب مسئله عشق را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌داده‌اند، روان‌شناسی اجتماعی تجربی برای مدت زمان طولانی در به کارگیری موضوع عشق به عنوان یکی از موضوع‌های مهم و اساسی خود کوتاهی کرده است (پاتو، ۱۳۸۱).

روان‌شناسان، عشق را احساسی مثبت معرفی می‌کنند، اما در میان آنها، در مورد مفهوم عشق و انواع آن اتفاق نظر وجود ندارد. اریک فروم که به پدر عشق معروف است، عشق را پاسخی به مسئله وجودی انسان می‌داند. او در تعریف عشق می‌گوید: «عشق عبارت است از: رغبت جدی به زندگی و پرورش آنچه بدان مهر می‌ورزیم. دلسوزی و توجه، احساس مسئولیت، احترام و شناخت با هم مرتبط هستند و جوانب مختلف عشق را می‌سازند». فروم، عشق را رهایی از جدایی و تنها‌یابی تعریف می‌کند و شکست در رسیدن به این غایت را به دیوانگی رسیدن می‌نامد (فروم، ۱۳۸۷).

در فاصله سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۷ دیدگاه‌هایی گوناگون همچون دیدگاه مبادله اجتماعی به عشق، دیدگاه اشتراکی، تحولی-اجتماعی، انگیزشی، روانی، سبک‌های عشق ورزی لی و نظریه سه‌وجهی عشق مطرح شده است. این رویکردها به دو صورت به عشق نگریسته‌اند، یا به صورت ساختاری و یا به صورت فرایندی (بورگس، ۲۰۰۴).

در نظریه‌های ساختاری به عناصر یا ابعاد عشق توجه می‌شود و در نظریه‌های فرایندی به فرایند عشق توجه می‌شود. شناخته شده‌ترین نظریه ساختاری که یکی از مهم‌ترین نظریه‌های است،

نظریهٔ مثلثی عشق استرنبرگ است که به مافرست برسی احساس‌های افراد عاشق در جنبه‌های مختلف عشق رامی‌دهد. مطابق با این نظریه، عشق از سه عنصر ساخته شده است. صمیمیت، تعهد، اشتیاق (همان). صمیمیت عاملی هیجانی است که به جنبهٔ عاطفی از عشق اشاره دارد و در آن فرد سرمایه‌گذاری‌های عاطفی را با شریک خود به میان می‌گذارد. با وجود این مؤلفه، افراد عاشق با یکدیگر ارتباط عاطفی، حمایت عاطفی، درک دوچانبه و خودافشاگری دارند. تعهد که عنصر شناختی عشق است، شامل تعهد کوتاه‌مدت و بلندمدت در روابط عاشقانه می‌باشد.

اشتیاق که عامل انگیزش است، اشاره به احساسات، میل جنسی، داستان‌های عاشقانه، جذابیت فیزیکی دارد که انگیزه را برای گسترش روابط به وجود می‌آورد. با توجه به عامل اشتیاق، فرد یک شریک را به دیگران ترجیح می‌دهد. این امر خود نشان دهندهٔ ارتباط اشتیاق با دلبستگی است که فرد عاشق دلبستگی به یک معشوق را به دیگران ترجیح می‌دهد و آن را با دیگری جایگزین نمی‌کند. سرانجام اینکه افراد عاشق هنگام جدایی از معشوق به صورت عاطفی احساس اضطراب می‌کنند (استرنبرگ، ۱۹۹۱).

- ازنجوّه ترکیب سه بعد عشق با یکدیگر، هشت حالت از عشق به وجود می‌آید که عبارت اند از:

- فقدان عشق: زمانی است که ابعاد سه‌گانهٔ عشق در روابط افراد بسیار کم‌رنگ است یا اصلاً وجود ندارد؛ مثل بسیاری از روابط رسمی که افراد در ارتباط با یکدیگر دارند.

- مهر و علاقه: زمانی است که فقط عامل صمیمیت وجود داشته باشد و از دو بعد دیگر خبری نیست یا کم‌رنگ است. در این حالت احساس دل‌سوزی، رفاقت، گرمی، نزدیکی و دیگر هیجانات مثبت وجود دارد، اما احساس شوریدگی، شهوانی بودن و تعهد وجود ندارد.

- دل باختگی: در این وضعیت یا در این نوع عشق بعد شوریدگی بر روابط افراد یا احساس یک فرد نسبت به فرد دیگر حاکم است. یک حالت شدید شیدایی است که در آن فرد به شدت و افراطی مஜذوب دیگری شده، درحالی که خبری از تعهد و صمیمیت وجود ندارد و وسوسات‌گونه از او فرد ایدئالی می‌سازد، در این نوع عشق درجه بالایی از برانگیختگی فیزیولوژی و روانی وجود دارد. این نوع عشق با وصول به معشوق به شدت پایان می‌پذیرد و ممکن است به تنفر تبدیل شود.

- عشق تھی: در این نوع عشق فقط بُعد تعهد وجود دارد و سایر ابعاد وجود ندارد یا بسیار کم‌رنگ است. این نوع عشق در روابط پایدار که در آن انسان‌ها دارای رابطهٔ عاطفی طولانی‌مدت متقابل هستند و یا آن قدر با هم مانده‌اند که به هم‌دیگر عادت کرده‌اند و یا به

علت ترس از بی‌پناهی و بی‌کسی، به وجود می‌آید (همان).

- عشق آرمانی: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و شوریدگی است. عشق براساس جذابیت فیزیکی و عاطفی است. نوعی احساس قربات، نزدیکی و پیوند بین دو زوج است. در این نوع عشق اعتماد بسیار بالایی نسبت به همسر وجود دارد، به لحاظ عاطفی به شدت به او نزدیک است. در این حالت، خودافشایی بسیار بالاست، شخص بدون ترس از طرد شدن، عقاید و افکار خود را با همسرش در میان می‌گذارد و زمانی که افکار و احساسات خود را برای طرف مقابل ابراز می‌دارد، حالت شوریدگی را در اوج خود تجربه می‌کند. در عین حال، به دلیل نداشتن بینش و تعهد، امکان تداوم این عشق اندک است و در صورتی که رابطه به علت نیازهای زوجین تداوم یابد به مروز زمان تعهد در روابط آنها به وجود آید.

- عشق رفاقتی: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و تعهد است. یک رابطهٔ دوستانه پایدار، بلندمدت و متعهدانه که همراه با مقدار زیادی صمیمیت است. در این نوع عشق، تصمیم برآن است که همسرش را دوست داشته و به باقی ماندن با او متعهد باشد. این نوع عشق همراه با بهترین روابط دوستانه است که رفتار جنسی در آن نیست یا خیلی کم‌رنگ است و رفتار عطوفت‌ورزانه در آن دیده نمی‌شود. بسیاری از عشق‌های آرمانی که به درازا بکشد و پایدار شود، تبدیل به عشق رفاقت‌آمیز خواهد شد. این نوع عشق بین دو همکار که سال‌ها با هم‌دیگر کار کرده‌اند یا بین یک زوج که دارای فرزندانی هستند، مشاهده می‌شود.

- عشق ابلهانه: این نوع عشق ترکیبی از شوریدگی و تعهد است. آنها صرفاً براساس حالت شوریدگی نسبت به هم متعهد هستند و رابطهٔ عاطفی عمیق با هم‌دیگر دارند. این حالت گرددادی از هیجانات است که زود فروکش می‌کند (استرنبرگ، ۱۹۸۷).

استرنبرگ می‌گوید: افراد در این حالت در نگاه اول عاشق یکدیگر می‌شوند و خیلی زود بدون آنکه هم‌دیگر را بشناسند به داشتن یک رابطهٔ طولانی متعهد می‌گردند. این عشق خیلی شدید و وسوس‌گونه است.

- عشق کامل: این عشق ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد است. در این حالت، فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند و با او رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز دارد. روابط جنسی همراه با تعهد به وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود (همان).

با توجه به مطالب ذکر شده و نظر به تأثیر عمیق و قدرتمند متغیرهای این پژوهش، در رشد یا عدم رشد هیجانی و اجتماعی، بهداشت روانی، رضایت از زندگی زناشویی و شادکامی افراد، این پژوهش به دنبال مقایسه روان بنه های ناسازگار اولیه، احساس تنها یی و انواع عشق در میان طلاب و دانشجویان است. پژوهشگر به دنبال بررسی این فرضیه است که بین مردان متأهل طلبه و دانشجو از نظر روان بنه های ناسازگار اولیه، احساس تنها یی و انواع عشق، اختلاف معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به توصیف شرایط موجود خواهد پرداخت، پس از نوع تحقیقات توصیفی است و از آنجاکه به مقایسه روان بنه های ناسازگار اولیه، احساس تنها یی و انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم می پردازد، با توجه به ماهیت موضوع و هدف، تحقیقی کاربردی است. همچنین از لحاظ روش پژوهش، یک تحقیق با روش پیمایشی -زمینه ای محسوب می شود.

جامعه آماری پژوهش شامل طلاب سطوح عالی و خارج مدرسه علمیه الهادی (طرح هدایت تحصیلی طلاب) که تعداد آنان ۱۰۰ نفر می باشد و همچنین دانشجویان متأهل مرد دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد پردیسان که تعداد آن ۱۶۴۵ نفر است. نمونه آماری پژوهش بر اساس فرمول تعیین حجم کوکران طلاب ۸۰ نفر و دانشجویان ۳۱۲ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری در دسترس بود.

ابزار پژوهش

الف. مطالعات کتابخانه ای: در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات، در زمینه مبانی نظری و ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه ای، مقالات و کتاب های مورد نیاز استفاده شده است.

ب. تحقیقات میدانی: در این قسمت برای جمع آوری داده ها و اطلاعات از پرسش نامه استفاده شده است. در این پژوهش، با توجه به اطلاعات جمعیت شناختی به دست آمده از سه پرسش نامه به شرح ذیل استفاده شده است:

۱. پرسش نامه روان بنه های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF- فرم کوتاه): این پرسش نامه دارای ۷۵ ماده است و بر اساس یافته های اسمیت (۱۹۹۵)، پانزده روان بنه

ناسازگار اولیه را ارزیابی می‌کند. این روان‌بنه‌ها عبارت‌اند از: محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص / شرم، وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خود تحول نیافته و گرفتار، اطاعت، فداکاری، بازداری عاطفی، معیارهای نامربوط، استحقاق / بزرگ‌منشی، خودکنترلی ناکافی، شکست (اندوزو و حمیدپور، ۱۳۸۴). میزان آلفای کرونباخ پرسش نامه پژوهش ۰/۸۹۳ به دست آمده است که با توجه به بالاتر بودن آن از مقدار ۰/۷، نشان دهنده آن است که پرسش نامه پژوهش از اعتبار مناسبی برخوردار است.

۲. پرسش نامه احساس تنها: پرسش نامه احساس تنها ای توسط راسل و پیلوو و کورتونا در سال ۱۹۸۰ ساخته شد. این پرسش نامه شامل ۲۰ سؤال و به صورت چهارگزینه‌ای، ۱۰ جمله منفی و ۱۰ جمله مثبت است. در این پرسش نامه هرگز امتیاز (۱)، به ندرت امتیاز (۲)، گاهی امتیاز (۳) و همیشه امتیاز (۴) دارد، ولی امتیاز سؤالات ۲۰، ۱۶، ۱۹، ۱۵، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ را دارد. دامنه این پرسش ایست؛ یعنی هرگز (۴)، به ندرت (۳)، گاهی (۲) و همیشه امتیاز (۱) را دارد. نمره‌ها بین حداقل ۲ و حداً کثره ۸ است. بینایین میانگین نمره، ۵۰ است. نمره بالاتر از میانگین بیانگر شدت بیشتر تنها ای است. اعتبار این آزمون در نسخه تجدیدنظرشده، ٪۷۸ گزارش شد. اعتبار آزمون به روش بازآزمایی توسط راسل، پیلوو و فرگوسن، ٪۸۹ گزارش شده است. این مقیاس توسط شکرکن و میردیکوند ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات به کار گرفته شد (نادری، حق‌شناس، ۱۳۸۸).

میزان آلفای کرونباخ پرسش نامه‌های استفاده شده حاکی از آن است که مقدار آنها بالای ۰/۷ می‌باشد و نشان دهنده آن است که از اعتبار مناسبی برخوردار هستند.

۳. پرسش نامه عشق مثلثی استرنبرگ: این پرسش نامه دارای سه عنصر است که این عناصر عبارت‌اند از: صمیمیت، تعهد، شوریا شوق (شدت). این مقیاس در سال ۱۹۹۴ توسط استرنبرگ ساخته شده است (کرمی، ۱۳۸۷). هر بخش این پرسش نامه، ۱۵ جمله را پوشش می‌دهد. بخش اول که حاوی ۱۵ جمله است به عنصر صمیمیت می‌پردازد و بخش دوم که حاوی ۱۵ جمله است به بررسی شور و شوق (شدت) و بخش آخرهم به تعهد فرد نسبت به عشق مربوط می‌گردد. این آزمون در سال ۱۳۸۳ به فارسی ترجمه شده است (گنجی، ۱۳۹۰). در پژوهش‌های صورت گرفته در ایران و خارج، روایی و اعتبار پرسش نامه عشق

مثلثی استرنبرگ در هیچ موردی کمتر از ۷۰٪ نبوده است (گنجی، ۱۳۹۰). همچنین آلفای کلی برای گروه مردان ۹۳٪ و برای گروه زنان ۹۶٪ است که بدین معنا است که اعتبار و روایی آزمون کاملاً مورد تأیید و مثبت است (کرمی، ۱۳۸۷).

روش اجرا و جمع آوری داده ها در این پژوهش، به این صورت بود که ابتدا جهت ورود به مراکز علمی تعیین شده، معرفی نامه ای از طرف دانشگاه گرفته شد. پس از مشخص کردن افراد مورد نظر از نظر سن و تعیین تعداد آزمودنی ها، مجری پژوهش در محل حضور یافت و با ارائه توضیح مختصراً درباره پژوهش، پرسش نامه در اختیار آنها قرار گرفت؛ همچنین در صورتی که در حین انجام آزمون، سؤالی برای هر یک از آزمودنی ها ایجاد می شد، آزمون گر به آن پاسخ می داد.

جهت تجزیه و تحلیل داده های پژوهش، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش توصیفی از شاخص های آماری نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار، جداول و نمودارهای آماری و در بخش آمار استنباطی از آزمون تی مستقل در نرم افزار spss استفاده شده است.

یافته های پژوهش

در این پژوهش، به توصیف نمونه آماری و داده های حاصل از اجرای متغیر پژوهش پرداخته شده است. بدین صورت که با شاخص های توصیفی (جداول توزیع فراوانی، درصد) داده ها و خصوصیات جمعیت شناختی آزمودنی ها، خلاصه، تفسیر و گزارش شده است.

توصیف ویژگی های جمعیت شناختی

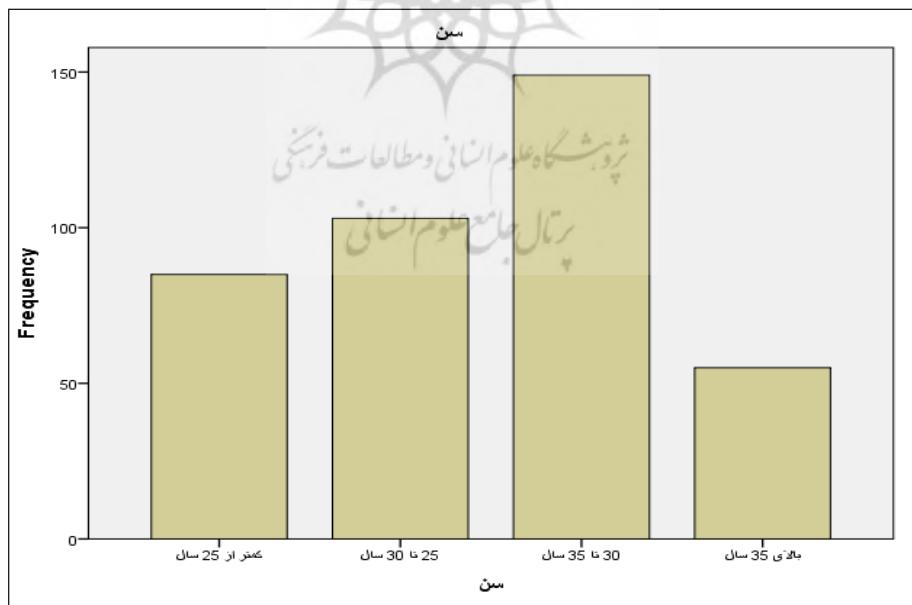
در این بخش اطلاعات مربوط به سن آزمودنی های نمونه مورد بررسی در قالب جداول به صورت فراوانی، درصد و نمودار ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و شاخص‌های توصیفی افراد مورد بررسی بر حسب سن

درصد	فراوانی	شاخص
		سن
۲۱,۷	۸۵	کمتر از ۲۵ سال
۲۶,۳	۱۰۳	۲۵ تا ۳۰ سال
۳۸,۰	۱۴۹	۳۰ تا ۳۵ سال
۱۴,۰	۵۵	بالای ۳۵ سال
۱۰۰	۳۹۲	کل

نتایج جدول و نمودار حاکی از آن است که بیشتر افراد مورد بررسی یعنی ۳۸ درصد، ۳۰ تا ۳۵ سال و ۱۴ درصد از آنها بالای ۳۵ سال می‌باشد.

نمودار ۱. توزیع فراوانی و شاخص‌های توصیفی افراد مورد بررسی بر حسب سن



بررسی فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: روان بنه های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

فرضیه صفر: بین روان بنه های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه یک: بین روان بنه های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته های جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد روان بنه های ناسازگار اولیه دانشجویان به ترتیب $۳/۰۸$ ، $۰/۴۶$ و $۰/۰۸$ و میانگین و انحراف استاندارد روان بنه های ناسازگار اولیه طلاب به ترتیب $۰/۳۰$ و $۰/۸۴$ است.

**جدول ۲. داده های توصیفی نمرات روان بنه های ناسازگار اولیه
به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو**

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
محرومیت هیجانی	۳۱۲	۳,۲۸	۰/۶۴	۰/۰۳
رهاشدگی	۳۱۲	۲,۹۱	۰/۶۹	۰/۰۷
بی اعتمادی	۳۱۲	۲,۵۹	۰/۸۶	۰/۰۹
انزوای اجتماعی	۳۱۲	۲,۰۳	۰/۷۱	۰/۰۴
نقص شرم	۳۱۲	۲,۳۷	۰/۸۲	۰/۰۹
وابستگی / بی کفایتی	۳۱۲	۲,۱۱	۰/۷۷	۰/۰۴
دانشجو طلبه	۸۰	۲,۳۷	۰/۶۸	۰/۰۷
دانشجو طلبه	۸۰	۳,۱۱	۰/۷۷	۰/۰۴
دانشجو طلبه	۸۰	۲,۲۲	۰/۷۱	۰/۰۴
دانشجو طلبه	۸۰	۳,۵۳	۰/۸۸	۰/۰۹
دانشجو طلبه	۸۰	۳,۰۷	۰/۷۰	۰/۰۳
دانشجو طلبه	۸۰	۳,۳۶	۰/۸۶	۰/۰۹

آسیب‌پذیری	دانشجو	۳۱۲	۳,۱۹	۰/۶۷	۰/۰۳
طلبه	دانشجو	۸۰	۲,۷۸	۰/۴۹	۰/۰۵
خود	دانشجو	۳۱۲	۳,۰۷	۰/۷۱	۰/۰۴
تحول نیافتہ	طلبه	۸۰	۲,۴۴	۰/۵۹	۰/۰۶
اطاعت	دانشجو	۳۱۲	۳,۱۳	۰/۷۶	۰/۰۴
طلبه	دانشجو	۸۰	۳,۳۱	۰/۵۱	۰/۰۵
فداکاری	دانشجو	۳۱۲	۳,۱۱	۰/۶۲	۰/۰۳
طلبه	دانشجو	۸۰	۳,۱۰	۰/۶۱	۰/۰۶
بازداری عاطفی	دانشجو	۳۱۲	۲,۹۷	۰/۷۰	۰/۰۳
طلبه	دانشجو	۸۰	۲,۹۹	۰/۷۵	۰/۰۸
معیارهای نامربوط	دانشجو	۳۱۲	۲,۸۵	۰/۹۵	۰/۰۵
استحقاق	دانشجو	۳۱۲	۳,۰۶	۰/۸۱	۰/۰۴
طلبه	دانشجو	۸۰	۲,۷۵	۰/۵۶	۰/۰۶
خودکنترلی	دانشجو	۳۱۲	۲,۷۱	۰/۹۸	۰/۰۵
ناکافی	طلبه	۸۰	۲,۶۱	۰/۷۸	۰/۰۸
شکست	دانشجو	۳۱۲	۳,۵۰	۰/۵۵	۰/۰۳
طلبه	دانشجو	۸۰	۲,۶۵	۰/۶۶	۰/۰۷
کل	دانشجو	۳۱۲	۳,۰۸	۰/۴۶	۰/۰۲
طلبه	دانشجو	۸۰	۲,۸۴	۰/۳۰	۰/۰۳

با توجه به آزمون لوین، جدول ۳ برای بررسی فرض برابری واریانس‌ها، سطح معناداری روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو با مقدار (۶/۴۳۱) و ($H^0 < H^1$) است. در نتیجه، فرض H^0 مبنی بر برابری واریانس‌ها رد می‌شود و فرض H^1 مبنی بر عدم برابری واریانس‌ها تأیید می‌شود. لذا اطلاعات به دست آمده در مورد مقایسه میانگین روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهل طلبه و غیرطلبه مورد بررسی

قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقدار α محاسبه شده ($5/540$) با سطح معناداری ($0/000$) می‌باشد، از سطح خطای ($0/05$) کوچک‌تر است و همچنین حد بالا و حد پایین هردو مثبت می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت میانگین دو گروه مردان متأهله طلبه و دانشجو در مورد روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه معنادار بوده و تساوی میانگین دو جامعه رد می‌شود و می‌توان گفت که بین میانگین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در بین مردان متأهله طلبه و دانشجو، اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۳. آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه به تفکیک مردان متأهله

آزمون مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل					آزمون لوین		
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	سطح معناداری	درجه آزادی	T	سطح معناداری	F		
حد بالا	حد پایین					واریانس برابر	محرومیت هیجانی
۰/۳۸	۰/۰۵	۰/۰۰۸	۳۹۰	۲,۶۷۰	۰/۷۳۴	۰/۱۱۵	واریانس نابرابر
۰/۳۹	۰/۰۴	۰/۰۱۲	۱۱۶,۵۵۹	۲,۵۵۹			
۰/۴۹	۰/۱۳	۰/۰۰۱	۳۹۰	۳,۳۷۵	۰/۰۰۱	۱۱,۵۱۳	واریانس برابر
۰/۵۲	۰/۱۰	۰/۰۰۳	۱۰۷,۶۹۴	۳,۰۰۰			واریانس نابرابر
۰/۸۴	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۳۹۰	۷,۱۴۲	۰/۰۴۹	۳,۸۹۴	واریانس برابر
۰/۸۶	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۱۱۱,۹۹۰	۶,۶۰۱			واریانس نابرابر
۰/۹۲	۰/۵۴	۰/۰۰۰	۳۹۰	۷,۷۴۹	۰/۳۴۳	۰/۹۰۱	واریانس برابر
۰/۹۰	۰/۵۶	۰/۰۰۰	۱۳۶,۳۹۰	۸,۳۶۵			واریانس نابرابر
-۰/۱۲	-۰/۴۹	۰/۰۰۱	۳۹۰	-۳,۲۵۱	۰/۰۰۰	۱۴,۲۸۹	واریانس برابر
-۰/۰۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۵	۱۰۶,۸۰۱	-۲,۸۶۶			واریانس نابرابر
-۰/۱۰	-۰/۴۷	۰/۰۰۲	۳۹۰	-۳,۱۳۲	۰/۰۰۰	۱۷,۱۱۰	واریانس برابر
-۰/۰۸	-۰/۴۹	۰/۰۰۷	۱۰۷,۱۰۹	-۲,۷۶۹			واریانس نابرابر
۰/۵۶	۰/۲۵	۰/۰۰۰	۳۹۰	۵,۰۹۵	۰/۰۱۰	۶,۶۲۶	واریانس برابر
۰/۵۴	۰/۲۷	۰/۰۰۰	۱۶۲,۸۵۶	۶,۱۰۰			واریانس نابرابر
۰/۸۰	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۳۹۰	۷,۲۸۱	۰/۳۲۱	۰/۹۸۹	واریانس برابر
۰/۷۸	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۱۴۲,۷۱۸	۸,۰۹۱			واریانس نابرابر

-۰/۰۱	-۰/۳۶	۰/۰۳۸	۳۹۰	-۲,۰۸۰				واریانس برابر	اطاعت
-۰/۰۴	-۰/۳۲	۰/۰۱۰	۱۷۹,۶۷۹	-۲,۶۱۴	۰/۰۰۰	۱۵,۲۶۲		واریانس نابرابر	
۰/۱۵	-۰/۱۴	۰/۹۶۰	۳۹۰	۰/۰۵۱	۰/۷۰۱	۰/۱۴۷	واریانس برابر	فداکاری	
۰/۱۵	-۰/۱۴	۰/۹۵۹	۱۲۴,۸۴۵	۰/۰۵۱	۰/۰۵۱	۰/۱۴۷	واریانس نابرابر		
۰/۱۶	-۰/۱۹	۰/۸۶۷	۳۹۰	-۰/۱۶۸		۰/۲۷۱	۱,۲۱۷	واریانس برابر	بازداری
۰/۱۶	-۰/۱۹	۰/۸۷۲	۱۱۶,۶۹۹	-۰/۱۶۱		۰/۰۶۱	۱,۲۱۷	واریانس نابرابر	عاطفی
۰/۳۵	-۰/۱۰	۰/۲۷۸	۳۹۰	۱,۰۸۵		۰/۰۶۰	۳,۵۵۹	واریانس برابر	معیارهای نامربوط
۰/۳۴	-۰/۰۸	۰/۲۴۱	۱۳۷,۵۵۱	۱,۱۷۸		۰/۰۲۰	۵,۴۹۵	واریانس نابرابر	
۰/۴۹	۰/۱۱	۰/۰۰۲	۳۹۰	۳,۱۷۲		۰/۰۲۰	۵,۴۹۵	واریانس برابر	استحقاق
۰/۴۶	۰/۱۵	۰/۰۰۰	۱۷۳,۷۵۱	۳,۹۲۳		۰/۰۲۰	۵,۴۹۵	واریانس نابرابر	
۰/۳۳	-۰/۱۳	۰/۳۸۳	۳۹۰	۰/۸۷۴		۰/۰۰۴	۸,۳۵۳	واریانس برابر	خودکنترلی تاکافی
۰/۳۰	-۰/۱۰	۰/۳۱۷	۱۵۱,۰۷۷	۱,۰۰۵		۰/۰۰۴	۸,۳۵۳	واریانس نابرابر	
۰/۹۸	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۳۹۰	۱۱,۶۹۰		۰/۹۰۲	۰/۰۱۵	واریانس برابر	شکست
۱,۰۰	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۱۰۸,۷۵۵	۱۰,۴۹۸		۰/۹۰۲	۰/۰۱۵	واریانس نابرابر	
۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۰۰۰	۳۹۰	۴,۳۰۱		۰/۰۱۲	۶,۴۳۱	واریانس برابر	
۰/۳۲	۰/۱۵	۰/۰۰۰	۱۸۹,۷۸۷	۵,۵۴۰		۰/۰۱۲	۶,۴۳۱	واریانس نابرابر	کل

فرضیه دوم: احساس تنها وی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

فرضیه صفر: بین احساس تنها وی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه یک: بین احساس تنها وی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته های جدول ۴، میانگین و انحراف استاندارد احساس تنها وی دانشجویان به ترتیب (۲/۷۳)، (۰/۴۲) و میانگین و انحراف استاندارد احساس تنها وی طلاب به ترتیب ۲/۵۹ و ۲/۳۶ می باشد.

جدول ۴. داده های توصیفی نمرات احساس تنها یی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو

شاخص	دانشجو	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
احساس تنها یی	طلبه	۳۱۲	۲,۷۳	۰/۴۲	۰/۵۲
احساس تنها یی	دانشجو	۸۰	۲,۵۹	۰/۳۶	۰/۰۴

با توجه به آزمون لوین، جدول ۵ برای بررسی فرض برابری واریانس ها سطح معناداری احساس تنها یی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو با مقدار $1/497 > 0/05$ است. در نتیجه، فرض H^0 مبنی بر برابری واریانس ها (H^0) تأیید می شود و فرض H^1 مبنی بر عدم برابری واریانس ها رد می شود. لذا اطلاعات سطراویل در مورد مقایسه میانگین احساس تنها یی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده ($2/783$) با سطح معناداری ($0/006$) می باشد، از سطح خطای ($0/05$) کوچکتر است و همچنین حد بالا و حد پایین هردو مثبت می باشد، نتیجه گرفته می شود که تفاوت میانگین دو گروه مردان متأهل طلبه و دانشجو در مورد احساس تنها یی معنادار بوده و تساوی میانگین دو جامعه رد می شود و می توان گفت: بین میانگین احساس تنها یی در بین مردان متأهل طلبه و دانشجو، اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۵. آزمون t برای مقایسه میانگین ها برای گروه های مستقل احساس تنها یی به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو

آزمون لوین						آزمون مقایسه میانگین ها برای گروه های مستقل	
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		سطح معناداری ((دومانه))	درجه آزادی	T	سطح معناداری	F	
حد بالا	حد پایین						
۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۰۰۶	۳۹۰	۲,۷۸۳	۰/۲۲۲	۱,۴۹۷	واریانس برابر
۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۰۳	۱۴۰,۳۳۵	۳,۰۶۰			واریانس نابرابر
احساس تنها یی							

فرضیه سوم: انواع عشق در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

فرضیه صفر: بین انواع عشق در مردان متأهل طلیبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه یک: بین انواع عشق در مردان متأهل طلیبه و دانشجوی استان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های جدول ۶، میانگین و انحراف استاندارد انواع عشق دانشجویان به ترتیب ۳/۱۷، ۰/۴۶ و میانگین انحراف استاندارد انواع عشق طلاب به ترتیب ۳/۰۶ و ۰/۴۰ می‌باشد.

جدول ۶. داده‌های توصیفی نمرات انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلیبه و دانشجو

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
ضمیمت	۳۱۲	۳,۱۱	۰/۶۴	۰/۵۳
	۸۰	۳,۲۲	۰/۵۶	۰/۰۶
شوق	۳۱۲	۳,۳۴	۰/۵۷	۰/۰۳
	۸۰	۲,۶۶	۰/۴۰	۰/۰۴
تعهد	۳۱۲	۳,۰۷	۰/۶۳	۰/۰۳
	۸۰	۳,۲۹	۰/۹۸	۰/۱۱
کل	۳۱۲	۳,۱۷	۰/۴۶	۰/۰۲
	۸۰	۳,۰۶	۰/۴۰	۰/۰۴

با توجه به آزمون لوین، جدول ۷ برای بروزی فرض برابری واریانس‌ها سطح معناداری انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلیبه و دانشجو با مقدار $0/053 > 0/05$ p است. در نتیجه، فرض H_0 مبنی بر برابری واریانس‌ها (H_0) تأیید می‌شود و فرض H_1 مبنی بر عدم برابری واریانس‌ها رد می‌شود. لذا اطلاعات سطر اول در مورد مقایسه میانگین انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلیبه و دانشجو مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقدار t محاسبه شده $(2/031)$ با سطح معناداری $(0/043)$ می‌باشد، از سطح خطای $(0/05)$ کوچک‌تر است و همچنین حد بالا و حد پایین هر دو مثبت می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود

که تفاوت میانگین دو گروه مردان متأهل طلبه و دانشجو در مورد انواع عشق معنادار بوده و تساوی میانگین دو جامعه رد می شود و می توان گفت: بین میانگین انواع عشق در بین مردان متأهل طلبه و دانشجو اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین در ابعاد شوق تفاوت معنادار می باشد، ولی در بُعد صمیمت و تعهد بین دانشجویان و طلاب تفاوت معنادار نمی باشد.

جدول ۷. آزمون t برای مقایسه میانگین ها برای گروه های مستقل انواع عشق به تفکیک مردان متأهل طلبه و دانشجو

آزمون مقایسه میانگین ها برای گروه های مستقل					آزمون لوبن		
فاصله اطمینان ۹۵%		سطح معناداری	درجه آزادی	T	سطح معناداری	F	
حد بالا	حد پایین						
-۰/۰۴	۰/۲۶	۰/۱۶۹	۳۹۰	-۱,۳۷۷	۰/۶۹۴	۰/۱۵۵	واریانس برابر
-۰/۲۵	۰/۰۳	۰/۱۳۸	۱۳۶,۹۷۹	-۱,۴۹۱			واریانس نابرابر
۰/۵۴	۰/۸۱	۰/۰۰۰	۳۹۰	۱۰,۵۱۷	۰/۰۰۶	۷,۷۷۵	واریانس برابر
۰/۵۷	۰/۷۸	۰/۰۰۰	۱۷۰,۹۴۳	۱۲,۲۹۱			واریانس نابرابر
-۰/۴۰	-۰/۰۴	۰/۰۱۴	۳۹۰	-۲,۴۶۰	۰/۰۰۰	۳۸,۸۸	واریانس برابر
-۰/۴۵	۰/۰۰۷	۰/۰۵۸	۹۶,۵۹۵	-۱,۹۱۹			واریانس نابرابر
۰/۰۰۳	۰/۲۲	۰/۰۴۳	۳۹۰	۲,۰۳۱	۰/۸۱۹	۰/۰۵۳	واریانس برابر
۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۰۲۸	۱۳۹,۱۱۳	۲,۲۲۱			کل واریانس نابرابر

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه بین مردان متأهل طلبه و دانشجو اختلاف معناداری وجود دارد و دانشجویان از لحاظ روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. از سوی دیگر، در بررسی ابعاد روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان از لحاظ ابعاد محرومیت هیجانی، رهاشده‌گی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خود تحول نیافته و گرفتار، استحقاق / بزرگ‌منشی و شکست، میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. اما طلاب در سه بعد نقص / شرم، وابستگی / بی‌کفایتی و اطاعت میانگین بیشتری نسبت به دانشجویان داشتند، ولی تفاوتی بین ابعاد خودکنترلی ناکافی، فداکاری، بازداری عاطفی، معیارهای نامربوط، در بین طلاب و دانشجویان وجود نداشت. در ادامه به توضیح اجمالی برخی از این ابعاد می‌پردازیم.

۱. محرومیت هیجانی^۱

انتظار اینکه تمایلات و نیازهای فرد به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضاء نمی‌شوند. سه نوع محرومیت مهم وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف. محرومیت از محبت:^۲ فقدان توجه، عطوفت یا همراهی؛

ب. محرومیت از همدلی:^۳ درک نشدن، به حرف دل فرد گوش ندادن، عدم خودافشاری یا در میان نگذاشتن احساسات با دیگران؛

ج. محرومیت از حمایت:^۴ نداشتن منبع قدرت، جهت‌دهی یا راهنمایی نشدن از سوی دیگران (اسکین، ۲۰۰۷).

1. Emotional Deprivation

2. Deprivation of Nurturance

3. Deprivation of Empathy

4. Deprivation of Protection

۲. رهاسدگی / بی ثباتی^۱

بی ثباتی یا بی اعتمادی نسبت به دریافت محبت و برقراری ارتباط با اطرافیان، به طوری که فرد احساس می کند افراد مهم زندگی اش، نمی توانند حمایت عاطفی و تشویق لازم را به او بدهند. فردی که چنین روان بنهای در ذهنش شکل گرفته باشد، معتقد است هر لحظه امکان دارد افراد مهم زندگی اش بمیرند یا اینکه اورارها کنند و به فرد دیگری علاقه مند شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

۳. بی اعتمادی / بدرفتاری^۲

انتظار اینکه دیگران به انسان ضربه می زنند، بدرفتارند، انسان را سرافکنده می کنند، دروغ می گویند و دغل کار و سودجو هستند. چنین انتظاری باعث می شود فرد وقایع پیرامون را به گونه ای خاص ادراک کند (اسکین، ۲۰۰۷).

۴. انزوای اجتماعی / بیگانگی^۳

احساس اینکه، فرد از جهان کناره گیری کرده و با دیگران متفاوت است یا اینکه به جامعه و گروه خاصی تعلق خاطر ندارد. این روان بنه معمولاً از طریق تجارب اولیه کودکی به وجود می آید که در آن کودک می بیند او یا خانواده اش با دیگران تفاوت زیاد دارند (اسکین، ۲۰۰۷).

۵. آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری^۴

ترس افراطی از اینکه فاجعه نزدیک است و هر لحظه وقوع آن وجود دارد و اینکه فرد نمی تواند از آن جلوگیری کند.

۶. خود تحول نیافته / گرفتار^۵

فرد در این روان بنه ارتباط عاطفی شدید و نزدیکی بیش از حد به یکی یا چند نفر از افراد مهم زندگی خود (اغلب والدین) به قیمت از دست دادن فردیت یا رشد اجتماعی طبیعی اش دارد. غالباً اعتقاد بر این است که هیچ یک از این افراد، بدون حمایت دیگری، قادر به ادامه زندگی نبوده یا نمی توانند شاد باشند (آمانجی و همکاران، ۲۰۰۶).

1. Abandon

2. Mistrust/Abuse

3. Social Isolation/Alienation

4. Vulnerability to Harm of Illness

5. Enmeshment / Undeveloped Self

۷. استحقاق / بزرگ‌منشی^۱

فردی که چنین روان‌بنه‌ای دارد، معتقد است: نسبت به دیگران یک سروگردان بالاتر است، حقوق ویژه‌ای برای خودش قائل است و تعهدی نسبت به رعایت اصول روابط متقابل ندارد. چنین افرادی برای اینکه بتوانند کسب قدرت کنند و یا دیگران را کنترل نمایند، تمرکز افراطی بر برتری جویی (برای مثال موفق‌ترین، باستعدادترین و ثروتمندترین شدن) دارند (والرو همکاران، ۲۰۰۱).

۸. شکست^۲

باور به اینکه فرد شکست خورده است یا در آینده شکست خواهد خورد و اینکه شکست برای او اجتناب ناپذیر است. فرد در مقایسه با همسالانش در حوزه‌های پیشرفت (مثل تحصیل، شغل، ورزش و...) غالباً احساس بی‌کفایتی می‌کند (راجیکور و همکاران، ۲۰۰۶).

۹. نقص / شرم^۳

این روان‌بنه، حساسیت بیش از حد نسبت به انتقاد، طرد، سرزنش، کم‌رویی، مقایسه‌های نابجا، احساس ناامنی در حضور دیگران و حس شرمندگی در ارتباط با عیب و نقص‌های درونی را دربر می‌گیرد (بایگ و همکاران، ۲۰۰۸).

۱۰. وابستگی / بی‌کفایتی^۴

اعتقاد به اینکه فرد نمی‌تواند مسئولیت‌های روزمره را بدون کمک قابل ملاحظه دیگران، در حد قابل قبولی انجام دهد (همان).

۱۱. اطاعت^۵

احساس اجبار نسبت به واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران، این کار معمولاً برای اجتناب از خشم، محرومیت، یا انتقام صورت می‌گیرد. دو نوع از مهم‌ترین اطاعت‌ها عبارت‌اند از:
الف. اطاعت از نیازها: واپس‌زنی تمایلات، تصمیمات و ترجیحات شخصی؛

1. Entitlement / Grandiosity
2. Failure
3. Defectiveness / Shame
4. Dependence / Incompetence
5. Subjugation

ب. اطاعت از هیجان‌ها: واپس زنی هیجانات شخصی به ویژه خشم (Ricardson، ۲۰۰۵). در تبیین این یافته می‌توان گفت: مطابق نظریه میدانی لوین، رفتار به واسطه میدانی که در آن وجود دارد، شکل می‌گیرد. همچنین براساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا طلاب بیشتر در معرض مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای مذهبی قرار دارند. همچنین می‌توان گفت: باورها و اعتقادات فرد، رفتار فرد را می‌سازند و به علت اینکه طلاب در حال آموزش و پژوهش درباره دین هستند، باورهای دینی بیشتر و قوی تری برای رفتار دینی خود دارند.

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) همسو است. آنها در پژوهش خود نشان داده‌اند، عمل به باورهای دینی در میان طلاب به طور معناداری بیشتر از عمل به باورهای دینی در دانشجویان است. این محققین در تبیین یافته خود اظهار داشته‌اند چون طلاب بیشتر در معرض مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای مذهبی قرار دارند و همچنین با توجه به نظریس که معتقد است: باورها و اعتقادات فرد، رفتار فرد را می‌سازد به علت اینکه طلاب در حال آموزش و پژوهش درباره دین هستند، باورهای دینی بیشتر و قوی تری برای اعمال و رفتار دینی دارند.

فرضیه دوم: احساس تنها‌یی در مردان متأهل طلبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در احساس تنها‌یی بین مردان متأهل طلبه و دانشجو، اختلاف معناداری وجود دارد و دانشجویان از لحاظ احساس تنها‌یی میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. کامر (۲۰۰۵)، به پژوهش‌هایی استناد کرده و بیان می‌کند که افراد مذهبی در مقایسه با افراد غیرمذهبی، کمتر احساس تنها‌یی کرده و کمتر به بدینی، افسردگی و اضطراب دچار می‌شوند. هوروویتز و همکارانش (۱۹۸۲)، جونزو و همکارانش (۱۹۸۱) و استفان و همکارانش (۱۹۸۸) در طی مطالعات خود بر رابطه میان مشارکت مذهبی ضعیف و احساس تنها‌یی اشاره کرده‌اند و از سوی دیگر، در ارتباط با سلامت روان، یافته‌ها حاکی از آن است که افراد تنها، دسته وسیعی از احساسات منفی (مانند بی ارزش بودن، مطرود شدن و احساس ناخواسته بودن) را تجربه می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مذهب به ایجاد نگرش مثبت به دنیا منجر می‌شود و فرد را در مقابل رویدادهای ناگوار زندگی مانند فقدان‌ها یا بیماری‌ها یاری می‌رساند. مذهب به زندگی فرد معنا و هدف می‌بخشد و داشتن معنا و هدف در زندگی، نشان‌دهنده سلامت روان است و به افزایش توانایی‌های فرد در انجام کارها منجر می‌شود. مذهب باعث ایجاد امید در فرد شده و این امر به نوبه خود

انگیزه و انرژی فرد را تقویت می‌کند و او را به بهتر شدن اوضاع امیدوار می‌کند. مذهب باعث برخورداری فرد از حمایت اجتماعی می‌شود و این امر به سبب ارتباط فرد با جامعه مذهبی، روحانیون و خداوند ایجاد می‌شود.

سازمان‌های مذهبی غالباً فعالیت‌های خاص را در جهت تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازمان‌دهی می‌کنند و پیوند بین افراد را تقویت می‌کنند. دین با ارائه تبیین‌های معنوی در پاسخ به مسائل غایی بشر، نظامی عقیدتی را بنیان می‌نهد که به واسطه آن مؤمنان را با یکدیگر پیوند می‌دهد؛ عقیده به نظام معنایی و فکری واحد، مؤمنان را به کلیتی یکپارچه بدل می‌سازد. دین چهره جهان را در نزد فرد دیندار دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را خود، خلق و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد، فرد دیندار خود را تحت حمایت و لطف همه جانبه خداوند می‌بیند و بدین ترتیب احساس آرامش ولذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. الیین در تبیین رابطه دینداری و سلامت روان اظهار می‌کند که مذهب، ارتباط دائمی انسان با خالق هستی و اعتقاد به حضور دائمی او در لحظه‌های حساس بوده، تأثیر بسزایی در ایجاد بهداشت روانی سالم و درمان بیماری‌های جسمی و روحی دارد. هوروویتز و همکارانش (۱۹۸۲) واستفان و همکارانش (۱۹۸۸) در مطالعات خود بر رابطه میان مشارکت مذهبی ضعیف و احساس تنهایی اشاره کرده‌اند. دین، کارکردها و مناسک جمعی آن، که به انسجام گروهی منجر شده و پیوند‌ها، روابط شبکه‌ای و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند، با برانگیختن احساس خوشبختی و اطمینان در میان معتقدان و مؤمنان، افکار منفی را دور کرده و به تقویت حس شادی و رستگاری کمک می‌کند و از جانی دین و دینداری رابطه انسان با خود، خداوند، دیگران و جهان هستی را تبیین کرده و مانع بیگانگی و ازوای اجتماعی اعضاء و عناصر جامعه شده و به تنزل احساس تنهایی نیز می‌انجامد. رسولی و سلطانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند جهت‌گیری مذهبی طلب بالاتر از دانشجویان است. آنها همچنین ثابت کرده‌اند عمل به باورهای دینی در میان طلاب به طور معناداری بیشتر از عمل به باورهای دینی در دانشجویان است. این محققین در تبیین یافته خود اظهار داشته‌اند چون طلاب بیشتر در معرض مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای مذهبی قرار دارند و همچنین با توجه به نظرالیس که معتقد است باورها و اعتقادات فرد، رفتار فرد را می‌سازد به علت اینکه طلاب در حال آموزش و پژوهش درباره دین هستند، باورهای دینی بیشتر و قوی‌تری برای اعمال و رفتار دینی دارند.

فرضیه سوم: انواع عشق در مردان متأهل طلیبه و دانشجوی استان قم متفاوت است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بُعد شوق، بین مردان متأهل طلبه و دانشجو اختلاف معناداری وجود دارد و دانشجویان از لحاظ انواع عشق و شوق میانگین بیشتری نسبت به طلاب داشتند. ولی در دو بُعد صمیمت و تعهد بین دانشجویان و طلاب تفاوت معنادار نمی‌باشد. نتایج پژوهش با مطالعات (کرمی، ۱۳۸۷) همسو می‌باشد. در تبیین نتایج حاضر می‌توان به مبانی نظری مؤلفه‌های عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) اشاره کرد، وی عقیده دارد که این اجزا در همه روابط عاشقانه به طور مساوی قرار ندارند، برخی ابعاد ممکن است پرنگ و برخی کم‌رنگ تر باشد، برخی سریع به وجود می‌آیند و سریع کم‌رنگ می‌شوند و برخی دیگر کند به وجود می‌آیند و پایدارتر هستند. مثلاً شوریدگی سریع به وجود می‌آید و سریع کاهش می‌یابد و کم‌رنگ می‌شود. تعهد به تدریج به وجود می‌آید و ثابت باقی می‌ماند. صمیمت آهسته رشد می‌کند و برای مدتی ثابت باقی می‌ماند. به عقیده او موفقیت در عشق ورزی بستگی به توانایی ما در تغییر هماهنگ اجزا دارد. اما در تبیین اینکه میانگین شور و شوق عشق دانشجویان بالاتر از میانگین مؤلفه شور و شوق عشق طلاب است می‌توان گفت که دانشجویان بیشتر از طلاب احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت نسبت به معشوق دارند. از سوی دیگر، احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غم‌خواری نسبت به همسر در هردو جامعه دیده می‌شود. از آنجاکه صمیمت جنبه هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، مرتبط بودن و در قید و بند طرف مقابل بودن در فرد ایجاد می‌کند این بُعد در طلاب و دانشجویان با توجه به فرهنگی که در کشور ما حاکم است، قابل پیش‌بینی است. از سوی دیگر، تعهد در بین طلاب و دانشجویان تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشت و می‌توان گفت که هردو جامعه مورد پژوهش متعهد به این هستند که فقط با یک نفر باشند و شریک دیگری برای خود انتخاب نکنند و این ارتباط را مهم‌تر از ارتباط با هر فرد دیگری تلقی می‌کنند.

علاوه بر این، در تبیین این تفاوت‌ها، می‌توان به نقش محیط و بسترها فرهنگی، انتظارات جامعه، محتوا و رویکرد آموزشی که هریک از این دو گروه در آن قرار دارند نیز، توجه کرد.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاداتی ارائه می‌گردد:

برای زوجین و فرزندان آنها برنامه‌هایی آموزشی برگزار گردد؛ چرا که این کارگاه‌های آموزشی، می‌تواند ضمن آشنایی ساختن خانواده‌ها با شیوه‌های مختلف فرزندپروری و آثار و پیامدهای آن، از شکل‌گیری روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه پیشگیری کرده و نیز موجب

شكل دهی جهت‌گیری مذهبی درونی در زوجین و فرزندان آنها شود.

با توجه به نقش مؤلفه‌های عشق در طلاق و دانشجویان متأهل، آگاه‌سازی بیشتر آنان

باید در اولویت قرار گیرد تا زوجین به اهمیت و نقش مؤلفه‌های عشق پی ببرند.

با توجه به مرحله گذار از ازدواج سنتی به غیرستنتی، بی‌توجهی به فرهنگ اسلامی و عدم

آگاهی جوانان، گاهی روابط با اشتباهاتی همراه است. اطلاع‌رسانی و بیان اهمیت مشاوره

قبل از ازدواج و نقش آن برای والدین و جوانان ضروری است.

از آنجایی که مؤلفه‌های عشق، تحت تأثیر آموزش و تجربه نسبتاً قابل تغییرند، آموزش

مستمر و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای تجربه عشق پایدار، احساس تنهایی در

موقعیت‌های آزمایشی و واقعی طلاق و دانشجویان باید در اولویت قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود این تحقیق در بین زنان نیز انجام شود و نتایج با هم مقایسه شود.

پیشنهاد می‌شود بررسی تطبیقی مقایسه روان‌بنه‌های ناسازگار، احساس تنهایی و انواع

عشق در مردان متأهل طلیبه و دانشجوی استان قم و کشورهای خارجی انجام شود.

پیشنهاد می‌شود برای درصد اطمینان بیشتر به همراه پرسش‌نامه، از سایر روش‌های

جمع‌آوری اطلاعات نظری مصاحبه و مشاهده استفاده شود.

منابع

- استرنبرگ، رابرت جی (۱۳۸۷)، مقیاس قصه عشق، ترجمه ابوالفضل کرمی، تهران، روان‌سنگی.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۸)، مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مریبان.
- امیدوار، احمد (۱۳۸۹)، روان‌شناسی کمرویی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- اندوز، زهرا و حسن حمیدپور (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت‌زنایی در زوجین، خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی در ایران، تهران.
- پاتو، مژگان (۱۳۸۱)، بررسی رابطه میان خودپنداش و نگرش‌های دانشجویان متأهل دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه تربیت مدرس نسبت به عشق در زندگی زناشویی خود، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- پاپالیا، دایان ای و سالی وندکاس اُلدز، روت داسکین فلدمان (۱۳۹۱)، روان‌شناسی رشد و تحول انسان، ترجمة داؤود عرب قهستانی و همکاران، تهران، رشد.
- حسین چاری، مسعود و محمد خیر (۱۳۸۱)، «بررسی کارایی یک مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دانش‌آموزان راهنمایی»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره ۳۷، ص ۵۹۴۶.

- رفیعی‌نیا، پروین و آرزو اصغری (۱۳۸۶)، «رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متاهل»، خانواده پژوهی، دوره سوم، شماره ۹، ص ۴۹۱-۵۰۵.
- رحیم‌زاده، سوسن و حمیدرضا پوراعتماد، علی عسگری، محمدرضا حجت (۱۳۹۰)، «مبانی مفهومی احساس تنها: یک مطالعه کیفی»، روان‌شناسی تحولی، دوره اول، شماره ۳۰، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- رسولی، رویا و سمية سلطانی‌گرد فرامرز (۱۳۹۱)، «مقایسه و بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان»، خانواده‌پژوهی، دوره هشتم، شماره ۴، ص ۴۲۷-۴۳۹.
- رضایی، علی محمد و مریم صفائی، فاطمه سادات‌هاشمی (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های روان‌سننجی مقیاس احساس تنها: دانشجویان SLFS»، روان‌شناسی بالینی، دوره پنجم، شماره ۳، ص ۴۲۷.
- رهنمائی، سید احمد (۱۳۸۸)، «پایه‌های روان‌شنختی تربیت دینی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، دوره اول، شماره ۱۷، ص ۱۰۹-۱۳۸.
- شولتز، دوان (۱۳۹۶)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، تهران، ارسباران.
- صبور، احمد (۱۳۹۲)، رابطه اعتیاد به اینترنت با احساس تنها و افسردگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.
- صدیق‌محمدی، محمد و سید‌حسین سراج‌زاده (۱۳۹۰)، «مقایسه تجربی دینداری از نظر روحانیون و دانشگاهیان»، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴، ص ۲۵-۵۴.
- طهرانی، مریم و معصومه اسماعیلی، علی فتحی‌آشتیانی (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی»، روان‌شناسی دین، سال هفتم، شماره ۳، ص ۹۳-۱۰۸.
- فرخ بخش، کیومرث و عبدالله شفیع‌آبادی (۱۳۹۶)، «ابعاد عشق و رزی بر اساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، شماره ۳۰، ص ۲۰۱-۲۰۵.
- فروم، اریک (۱۳۸۷)، هنر عشق و رزیدن، ترجمه پوری سلطانی، تهران، مروارید.
- فیشر، هلن (۱۳۸۸)، چرا عاشق می‌شویم؟ ترجمه آیدا ابو نصر، شیراز، نوید.
- قربانی، مریم (۱۳۸۷)، مقایسه درون‌گرایی، احساس تنها در دانشجویان وابسته و غیروابسته به پیامک در دانشگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- قیصیریان اسحاق، جواد و محمد زاهدی مازندرانی، مصطفی مهرآیین، امیر ملکی (۱۳۹۶)، «مطالعه عشق از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و زبان‌شناسی، ارائه یک نظریه ترکیبی»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۲۸، ص ۵۵-۸۲.
- کاظم‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، بررسی ویژگی‌های روان‌سننجی مقیاس احساس تنها و رابطه آن با کم‌رویی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

- کجباف، محمد باقر (۱۳۹۱)، روان‌شناسی رفتار جنسی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران، روان.
- گردونی، احسان (۱۳۸۹)، رابطه مهارت‌های اجتماعی با احساس تنهایی دانش‌آموزان دخترانه و پسرانه مدارس منطقه هشت تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- مشایخ، مریم و احمد برجعلی (۱۳۸۲). «بررسی رابطه احساس تنهایی با نوع استفاده از اینترنت در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی»، *تاریخ‌های علوم شناختی*، شماره ۳، ص ۱۶-۲۰.
- مغربی الفیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۲۵)، *المصباح المنیر*، قم، دارالهجره.
- محققی، حسین و حسین اسکندری، علی دلاور، احمد برجعلی (۱۳۹۰)، تدوین برنامه آموزشی توانمندسازی زوجین براساس نظریه عشق استرنبرگ و تأثیر آن بر کاهش تعارض زناشویی و افزایش رضایتمندی زوجین ناخرسند شهر همدان، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی مجده، داریو و مسعود گلچین، سیدحسین سراج‌زاده (۱۳۸۵)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تنهایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱)، *عشق زمینی*، تهران، اندیشه جوان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰)، بهداشت روانی در عشق شورانگیز، تهران، بعثت.
- میرمحمد صادقی، مهدی (۱۳۸۸)، آموزش پیش از ازدواج، اصفهان، پیغام دانش.
- نادری، فرح و فریبا حق‌شناس (۱۳۸۸)، رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، شماره ۱۲، ص ۱۱۱-۱۲۱.
- نوری‌ ثمیری، شهرام و فریده نرگسی (۱۳۹۲)، رابطه بعد الکسی تیمیا با احساس تنهایی و مقایسه آنها در دانشجویان دختر و پسر، *جنتاشاپیر*، شماره ۳، ص ۱۸۳-۱۹۲.
- نزهت، بهمن و علیرضا مظفری، سمیه جبارپور (۱۳۹۷)، «سیر و تطور نظریه «عشق» در آراء و اندیشه‌های عرفانی - فلسفی روزبهان و ابن‌دیّاغ»، *متن پژوهی‌های دیبی*، ۷۶، ص ۷-۲۳.
- نولن‌هوکسما، سوزان و باربارا فردی‌ریکسون، جفریو لافتتس، ویلم گنار (۱۳۹۰)، *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلکارد*، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ساوان.
- یانگ، جفری (۱۳۹۵)، *شناخت درمانی اختلالات شخصیت*، رویکرد طرح واره محور، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور. تهران، آگه.

- Amanjee, B. A. E, Crous, F, Crafford, A (2006), Towards validating a framework of aptive schemata for entrepreneurial success, *SA Journal of Industrial Psychology*, 32(3), p. 26-34.
- Andersson, L (1998), Loneliness research and interventions: a review of the literature, *Aging & Mental Health*, 2(4), p. 264-274.
- Aron, A, Aron, E. N, Tudor, M, & Nelson, G (1991), Close relationships as including other in the self, *Journal of personality and social psychology*, 60(2), p. 241.
- Brewer, M. B, Hewstone, M. E (2004), *Self and social identity*, Blackwell publishing.
- Burgess, M. F (2004), Romantic love and relationship satisfaction: The roles of attachment,

caregiving and sexuality.

- Castille, K, Prout, M, Marczyk, G, Shmidheiser, M (2007), The early maladaptive schemas of self-mutilators: Implications for therapy, *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 21(1), p. 58.
- Clark, A. J (2010), Forgiveness: a neurological model, *Medical hypotheses*, 65(4), p. 649–654.
- Cockram, D. M, Drummond, P. D, & Lee, C. W (2010), Role and treatment of early maladaptive schemas in Vietnam veterans with PTSD, *Clinical Psychology & Psychotherapy: An International Journal of Theory & Practice*, 17(3), p. 165–182.
- Crane, R. M (2005), Social distance and loneliness as they relate to headphones used with portable audio technology (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Ehrenberg, M. F, Cox, D. N, & Koopman, R. F, (1991), The relationship between self-efficacy and depression in adolescents, *Adolescence*, 26 (102), p. 361.
- Fontaine, R. G, Yang, C, Burks, V. S, Dodge, K. A, Price, J. M, Pettit, G. S, & Bates, J. E (2009), Loneliness as a partial mediator of the relation between low social preference in childhood and anxious/depressed symptoms in adolescence, *Development and psychopathology*, 21(2), p. 479–491.
- Freeman, N (1998), Constructive thinking and early maladaptive schemas as predictors of interpersonal adjustment and marital satisfaction (Doctoral dissertation, Rosemead School of Psychology, Biola University).
- Galanaki, E. P, & Vassilopoulou, H. D (2007), Teachers and children's loneliness: A review of the literature and educational implications, *European Journal of Psychology of Education*, 22(4), p. 455.
- Gao, G (2001), Intimacy, passion, and commitment in Chinese and US American romantic relationships, *International Journal of Intercultural Relations*, 25(3), p. 329–342.
- Goossens, L, Lasgaard, M, Luyckx, K, Vanhalst, J, Mathias, S, & Masy, E (2009), Loneliness and solitude in adolescence: A confirmatory factor analysis of alternative models. *Personality and Individual Differences*, 47(8), p. 890–894.
- Gurman, A. S, Lebow, J. L, Snyder, D. K (2015), *Clinical handbook of couple therapy*, Guilford Publications.
- Harris, A. E, Curtin, L (2002), Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults, *Cognitive Therapy and Research*, 26(3), p. 405–416.
- Hatfield, E, Rapson, R. L (2010), The neuropsychology of passionate love, *Psychology of Relationships*, Nova Science Publishers.
- Heinrich, L. M, Gullone, E (2006), The clinical significance of loneliness: A literature review, *Clinical psychology review*, 26(6), p. 695–718.

- Hendrick, C, Hendrick, S, (1986), A theory and method of love, *Journal of personality and social psychology*, 50(2), p. 392.
- Hoffart, A, Sexton, H, Hedley, L. M, Wang, C. E, Holthe, H, Haugum, J. A, Holte, A (2005), The structure of maladaptive schemas: A confirmatory factor analysis and a psychometric evaluation of factor-derived scales, *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), p. 627–644.
- Horowitz, L. M, French, R. D. S, Anderson, C. A, (1982), The prototype of a lonely person, *Loneliness: A sourcebook of current theory, research and therapy*, p. 183–205.
- Houghton, S, Hattie, J, Carroll, A, Wood, L, Baffour, B (2016), It hurts to be lonely! Loneliness and positive mental wellbeing in Australian rural and urban adolescents, *Journal of Psychologists and Counsellors in Schools*, 26(1), p. 52–67.
- James, I. A, (2014), Schema therapy: the next generation, but should it carry a health warning? *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 29(4), p. 401–407.
- Juntila, N (2010), Social competence and loneliness during the school years—Issues in assessment, interrelations and intergenerational transmission.
- Leahy, R. L, Tirch, D, Napolitano, L. A (2015), *Emotion regulation in psychotherapy: A practitioner's guide*, Guilford Press.
- Milsom, J, Beech, A. R, Webster, S. D, (2003), Emotional loneliness in sexual murderers: A qualitative analysis. *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 15(4), p. 285–296.
- Olson, D, DeFrain, J, Skogrand, L (2010), *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*, McGraw Hill.
- Rijkeboer, M. M, van den Bergh, H (2006), Multiple group confirmatory factor analysis of the Young Schema—Questionnaire in a Dutch clinical versus non-clinical population, *Cognitive Therapy and Research*, 30(3), p. 263–278.
- Rosse, R. B (2007), *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken heart*, Da Capo Lifelong Books.
- Russell, D, Peplau, L. A, Perlman, D (1982), *Loneliness: A sourcebook of current theory, research, and therapy*.
- Sternberg, R. J (1986), A triangular theory of love, *Psychological review*, 93(2), p. 119.
- Skeen, M. (2007). Schema-focused analysis of Philip care. Maughan W. Human bondage. California, San Francisco: The Wright Institute, 105, 48–95.
- Tolk, L. S (2006), Integrating the Enneagram and Schema Therapy: Bringing the soul into psychotherapy.

- Waller, G, Meyer, C, Ohanian, V (2001), Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women, Cognitive Therapy and Research, 25 (2), p. 137–147.
- Weiss, R. S (1973), Loneliness: The experience of emotional and social isolation.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). Schema therapy: A practitioner's guide. Guilford Press.
- Young, J. E. (2008). Cognitive therapy for personality disorders: A schema –focused approach, Rev. Professional Resource Press /Professional Resource Exchange.
- Young, J. E. (2011). Cognitive therapy for personality disorders: A schema –focused approach, Rev. Professional Resource Press /Professional Resource Exchange.
- Young, J. E, Klosko, J. S, Weishaar, M. E (2013), Schema therapy: A practitioner's guide, Guilford Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی